**بسم الله الرحمن الرحیم**

**ظنون**

**حجیت ظنون**

**حجیت ظواهر کتاب**

**جلسه پنجاه و نهم\_ یک­شنبه 6 اسفند 1396**

نسبت به فرمایش مرحوم خویی در مناقشۀ در مرحوم میرزای قمی، نکته­ایی را عرض می­کنیم و توضیح بیشتر اش ان شاء الله در مباحث انسداد، و آن این است که ایشان فرمودند بله اگر تقطیع توسط غیر عارف به اسلوب کلام محقق شده باشد، و یا غیر موثق باشد، حق با شماست، و نمی توان به ظاهر کلام استناد کرد اما مقطعین اخبار عارف به اسلوب کلام بودند و در اعلی مراتب ورع و تقوی بوده اند.

حال عرض ما فعلا این است که چه کسی تقطیع کرده است؟ آیا خود آن مؤلفین اصول و مصنفات تقطیع کرده اند؟ یا مؤلفین کتاب روایی فعلی مثل کلینی و صدوق و ...؟ ظاهر عبارت مرحوم خویی دومی است، این ها آمده اند روایات را به مناسبت های ابواب تقطیع کرده اند، حال سوال این است، این بزرگواران هم عالم به اسلوب کلام بودند، هم فی اعلی مراتب الوثاقت و العدالة، اما احتمال اینکه غفلت کرده باشند، از وجود قرینه ایی در این مجموعه، و بعد تقطیع کرده باشند، احتمال غفلتش که هست، این ها که معصوم نیستند، درست است وثاقت این ها، خبرویت این ها، ضریب غفلتشان را کم می کند، اما معنایش این نیست که این بزرگواران هر کاری که کردند کاملا صحیح است، لذا این احتمال هنوز هست که در آن تقطیع قرائنی حذف شده باشد، که چه بسا اگر ما میدیم، آن را قرینه می دانستیم و به صورت دیگری روایت را معنا می کردیم، من با نحوۀ گفتار خود آقای خویی پاسخ می دهم، ایشان می گوید اعتماد صدوق بر یک روایت، به درد کار ما نمی خورد، تصحیح امثال صدوق بدرد کار ما نمی خورد، لعّل اگر آن دلیل ایشان بر معتبر کردن این روایت، به دست ما می رسید، ما مناقشه می کردیم و قبول نمی کردیم، دلیل اش را که بیان نکرده است، ما از همین روایت در اینجا استفاده می کنیم، جناب صدوق، جناب شیخ طوسی و کلینی، بینهم و بین الله بر این تقطیع حجت داشتند، می گفتند این ذیل روایت دیگر قرینه ایی بر صدر روایت نیست، از کجا که ما هم اگر این روایت را یک جا می دیدم تقطیع نمی کردیم و می گفتیم ذیل قرینه ایی است بر صدر. شما اصل تقطیع را قبول کردید، وقتی اصل تقطیع قبول شد، اجتهادی تقطیع شده است، این تقطیع اجتهادی برای یک مجتهد دیگر مفید نیست. ما اگر میگفتیم این ها عارف به اسلوب کلام نیستند، حق با شما بود، نگفتیم متقی نیستند، می گوییم اجتهاد کردند، از کجا آن اجتهاد آن ها را اگر شما هم می دید قبول می کردید؟ خیلی از جا ها یک برداشتی را همین عارف به اسلوب کلام همین آقا دارد شما می گویید من قبول ندارم چون اجتهاد است و فهم از روایت و فهم من متفاوت است.

او طبق فهم خودش تقطیع اش مشکلی برایش ایجاد نکرده است اما از کجا که اگر دلیلی به دست شما هم می رسید شما هم مثل او حکم می کردید.

تقطیع اجتهادی است و اجتهاد آن ها فقط بر خودشان حجت است نه برای شما.

هذا اولاً.

و ثانیاً اگر نگاه را ببرید روی آن روات اولیه، اگر به مجردی که از امام می شنیدند می نوشتند، خب قابل اعتماد تر بود، آنجاهایی که از امام همین که شنیدند نوشتند بله قابل اعتماد تر است اما آنجاهایی که بعدا نوستند و خیلی از این ها یا نقل به معنا شده یا تلخیصی صورت گرفته است و آن ها هم معذور بودند بینهم و بین الله بین این نقل به معناو این تخلیص. از کجا که اگر خود شما در محضر امام بودید و بعدا این تخلیص و نقل به معنا را می دید قبول می کردید این تخلیص و نقل به معنا را؟ شاید شما می گفتید اشتباه کرده است یا از قلم انداخته یا قرین هایی آن جا بوده که در این تخلیص ذکر نشده یا در این نقل معنا اشتباهی صورت گرفته است. چه دافعی برای این احتمال دارید که بگویید این نقل عین آن حرفی است که از زبان مبارک معصوم سلام الله علیه صادر شده است مخصوصا با توجه به اینکه هرچه سند طولانی تر می شود تعداد روات بیشتر می شود این احتمال خطا بیشتر می شود. همین الان شما می­بینید درس یک استاد شاگرد مطلبی را نوشته خلاصه وار می آید به استاد ارائه می دهد استاد می­گوید این ناقص است من یک قرینه­ایی را لحاظ کردم که شما این را حذف کردید.

حال یا شما بگویید نقل به معنا در روایات نداریم یا بگویید تخلیص درروایات ما نداریم که اثباتش واقعا مشکل است و یک امر عرفی است. یا اگر گفتی هست این احتمال که اشتباه یا غفلتی در این تخلیص صورت گرفته باشد هست.

پس سیدنا الخویی قدس الله روحک نه تنها تقطیع توسط محمدین ثلاثلة مشکل شد بلکه تخلیص و نقل به معنا هم توسط روات احتمال معنا در مطلب می آورد و وقتی این ها را کنار هم بچینید هم تخلیص آن ها و هم نقل به معنای آنها این همان حرف میرزا را ثابت می کند. این جا با اصالة عدم قرینه نمی توان پیش رفت و این حرف ها کار ساز نیست.

لب فرمایش میرزا این است که شما باید اطمینان داشته باشید که این روایت معصوم با تمام قرائن حالیه و مقالیه دست شما رسیده است.

**و صلی الله علی محمدٍ و آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.**